

## عطف

درباره رمان «کوجه مرجانی‌ها»  
سپیده ابروینز

## صادق؛ مثل نقاشی

## يك بچه ۵ ساله

«کوجه مرجانی‌ها»ی سپیده ابروینز را می‌توان در بدنه ادبیات داستانی امروز ایران به تحلیل نشست؛ زمانی کوتاه یا در واقع داستانی بلند که از جریان رسمی داستان‌نویسی امروز



سیدکریم محمدی

فعال فرهنگی

فاصله‌ای جدی نمی‌گیرد، اما تلاش می‌کند شگردهای کمتر استفاده شده‌ای را برای روایتگری به کار ببرد.

ماجرا از زبان راوی روایت می‌شود، بنابراین ما با زاویه دید اول شخص روبه‌رویم؛ شیوه‌ای از روایتگری که بارها امتحان شده و از همین رو افتخار آن می‌تواند دو خروجی و نتیجه برای نویسنده دربرداشته باشد؛ نخست این‌که استفاده از شیوه‌ای آشنا در زاویه دید از همان ابتدا همدلی مخاطبش را به همراه داشته باشد، به‌ویژه آن‌که از زاویه اول شخص است و همین باعث می‌شود همذات‌پنداری با راوی با سرعت و کیفیت بیشتری اتفاق بیفتد و دوم این‌که این شیوه روایت می‌تواند رمان را خطرپذیر کند. خطر از این رو که گاه نویسنده اثر جای راوی بنشیند و به قضاوت رویدادها و شخصیت‌ها دربیفتد. خوشبختانه سپیده ابروینز در کوجه مرجانی‌ها با این‌که جسورانه خود را در معرض این خطر قرار داده، اما توانسته از آسیب‌های احتمالی آن برکنار باشد.

او به جای این‌که به ورطه قضاوت بیفتد اتفاقا از این شیوه روایت برای افزودن خرده‌روایت‌هایی موازی با روایت اصلی بهره برده است. مثلا این را بخوانید: «شکوفه که مرده باشد خاطره‌های مرا هم با خودش می‌برد. خاطره‌ها اگر نباشند آدم می‌شود مثل نقاشی یک بچه پنج ساله. سر و دست و پا دارد، اما عمق ندارد، بعد ندارد و می‌شود راحت پاکش کرد و دوباره کشید، شاید حتی از قبل هم قشنگ‌تر، اما همان قدر خالی. همان قدر بی‌معنی. فقط برای گفتن این‌که وای باربکلا آدم کشیدی؟ چه فکشنه!»

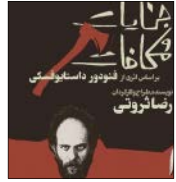
رمان ابروینز پر است از این تعویض فضاهای صادفانه با استفاده از تمثیل و تشبیه. همین باعث شده او از قضاوتی که می‌توانست مبتلابه روایت اول شخصش باشد فراتر برود و با شگردهایی مبتنی بر تشبیه و دیگر ارائه‌ها به توصیف‌هایی دقیق‌تر بپردازد.

کوجه مرجانی‌ها داستان آدم‌های کوچ‌های است به همین نام. آدم‌هایی که روایت آنها را در سال‌های جنگ می‌شنویم. البته راوی، این روایت را سال‌ها بعد از پایان جنگ پیش روی ما گذاشته است.

همین انتخاب زمان روایت سبب شده این رمان از هیجان‌های مرسوم در رمان‌های دفاع مقدس بر حذر باشد، هر چند این آسیب را به جان خریده که به رفتار نوستالژیک متن تن دردهد.

بدیهی است نویسنده می‌توانست به جای رویکردی خاطره‌بازانه با مقوله جنگ و دیگر ماهیه‌های مسلط دهه ۶۰، رویکردهای دیگری را جایگزین کند، اما در این معامله بین هیجان‌های اغلب کاذب رمان‌های دفاع مقدسی و رویکرد نوستالژیک به دهه ۶۰، او دومی را برگزیده و به راه سوئی نیندیشیده است. با همه این اوصاف،

کوجه مرجانی‌های سپیده ابروینز اثری خواندنی است. ۱۴۳ صفحه است و می‌تواند یک بعد از ظهرتان را آرام و بی‌سروصدا بپرکند. کتاب را انتشارات کتاب‌نیستان با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه منتشر کرده که در این روزهای شمارگان ۲۰۰ تایی، عدد چشمگیری می‌تواند محسوب شود. برای تهیه کتاب هم باید تا ۲۳ هزار تومان سرکیسه را شل کنید.



پاساژ ظهورالاسلام

عکس:

آژانس عکس تهران

## معطلی داستایفسکی در تهران

در حالی که برای اجرا بنمایش «جنایات و مکافات» به کارگردانی رضا ثروتی بلیت فروخته شده بود، این نمایش یکشنبه و دوشنبه شب روی صحنه نرفت و تا آخرین لحظه که ما در حال تنظیم این خبر بوده‌ایم، گفته شده شاید از امشب (سه‌شنبه) اجرایش آغاز شود.

اثر رضا ثروتی به عنوان نویسنده، طراح و کارگردان است که در آن بابک حمیدیان، آتیلا پسیانی، طناز طباطبایی، مهدی سلطانی، مینا ساداتی، پیام دهکردی، پانته‌آ پناهی‌ها، اصغر پیران و بهناز جعفری ایفای نقش می‌کنند و بابک حمیدیان نقش رادیون رومانویچ را سگونینکف را به عهده دارد.



روایت جذاب و میدانی خبرنگار جام جم از پرسه در بورس کاغذ کشور در ظهرالاسلام

## مافیای خودمانی کاغذ

## روایت اول

## کاغذ نیست اما ...

در بازار ظهرالاسلام انواع مختلف کاغذ معامله می‌شود؛ از کلاسه تا پشت چسب دار، اما برای من کاغذ تحریر و به‌خصوص تحریر ۷۰ گرمی که در چاپ کتاب مورد استفاده قرار می‌گیرد اهمیت دارد. بنابراین باید سراغ این نوع کاغذ را بگیرم.

از اولین فروشنده درباره کاغذ تحریر ۷۰ گرمی می‌پرسم. قیمتش را می‌گوید و انگار خیلی جدی وارد معامله شده باشیم، درباره میزان کاغذی که قرار است بخرم سوال می‌کند و این‌که دقیقا چه نوع کاغذی مدنظر هست.

در پاسخ می‌گویم: خبرنگارم. می‌گوید این نوع کاغذ را با قیمت ۴۵۰ تومان می‌شود پیدا کرد اما مقدارش کم است و سریع اضافه می‌کند. برای همین پرسیدم چقدر کاغذ لازم دارید چون بیشتر از هزار بند نمی‌توان پیدا کرد.

می‌پرسم چرا کم است و تعجب می‌کنم از این‌که چرا وارد نشده، اما این فروشنده معتقد است که هر چه وارد بازار شده به فروش رسیده و سفارش‌های جدید هم وارد بازار نشده است. در ادامه سر صحبت هایش باز می‌شود که شب عید، تعداد زیادی از ناشران کاغذی را که وزارت ارشاد در اختیارشان قرار داده بود به قیمت آزاد در بازار می‌فروختند. این فروشنده توضیح می‌دهد:

بیشتر ناشران برای چاپ کتاب هایشان، کاغذ آزاد خریده بودند و ترجیح می‌دادند سهمیه ارشاد را به قیمت آزاد به ما بفروشند، شاید بتوانند کمی از خسارت‌شان را جبران کنند.

فروشنده‌های بعدی هم ترجیح می‌دهند از اوضاع گلیه کنند و بگویند کاغذ تحریر در بازار پیدا نمی‌شود. بیشتر توضیحات‌شان حول این محورها می‌گردد:

ما خریده فروش هستیم و بی‌خبریم

فروشنده‌ها معمولا با مشتری‌های محدود و همیشگی کار می‌کنند

مساله کاغذ نیست، چاپ و نشر دچار رکود است

به اعتقاد برخی از این فروشندگان، اگر چاپ و نشر رونق بگیرد، متقاضی بیشتری می‌شود و قیمت کاغذ دوباره بالا می‌رود. به اعتقاد او دولت ترجیح می‌دهد رکود باشد و کتابی منتشر نشود تا قیمت از آنچه هست بالاتر نرود و به اعتقاد یکی دیگر از این فروشندگان، حتی اگر کتابی منتشر شود با این قیمت‌ها باز هم به ضرر دولت نخواهد بود.

گشت و گذار در این بازار حکایت از آن دارد که جواب روشن فروشندگان کاغذ تحریر به یک خبرنگار این است که نه کاغذ تحریر می‌فروشند و نه از قیمتش خبر دارند.

## روایت دوم

## کاغذ هست، اما ...

فرض می‌کنم نماینده یک موسسه فرهنگی یا ناشری هستیم که قصد خرید کاغذ دارد. به این بهانه از فروشگاه‌های خیابان و پاساژ ظهرالاسلام سراغ کاغذ تحریر ۷۰ گرمی را می‌گیرم و با چهار قیمت متفاوت مواجه می‌شوم.

قیمت کاغذ تحریر ۷۰ گرمی اندونزی با اندازه صد در ۷۰ سانتی‌متر در ظهرالاسلام عبارت است از:

کمترین قیمت: ۴۳۰ هزار تومان (ممکن است درجه یک نباشد)

قیمت میانه: ۴۵۵ هزار تومان یا ۴۶۰ هزار تومان برای هر بند

بالاترین قیمت: این نوع کاغذ معادل ۴۸۰ هزار تومان

گرچه این قیمت‌ها متفاوت هستند اما فروشنده‌گانی که قیمت بالاتر را لحاظ کرده‌اند، حاضرند با یک مشتری دست به نقد، راه بیابند و کف قیمت را حساب کنند.

آیا به اندازه کافی کاغذ تحریر در بازار هست؟

وقتی سراغ کاغذ تحریر را در بازار ظهرالاسلام می‌گیرید، مهم‌ترین سوالی که از شما خواهد شد این است که چه میزان کاغذ نیاز دارید ولی این اصلا به معنای آن نیست که شما نمی‌توانید کاغذ مورد نیازتان را تامین کنید چون مصرف یک ناشر معمولی در شرایط امروز چیزی حدود هزار بند در سال است و کمترین رقمی که یک فروشنده می‌تواند به شما عرضه کند هزار بند است.

بسیار محتمل است که شما به فروشنده‌گانی بر بخورید که کاغذ تحریر نداشته باشند یا موجودی فروشگاهشان بیشتر از ۵۰ بند نباشد اما همیشه امکان تهیه کاغذ مورد نیاز شما وجود دارد، فقط کافی است وارد معامله شوید تا کاغذ مورد نیاز شما را با چند تماس تلفنی فراهم کنند.

بعد از پرس و جوی قیمت کاغذ تحریر، برای دومین بار به سراغ یکی از فروشندگان می‌روم که گفته بود محدودیتی برای تامین کاغذ مورد نیازم ندارد. می‌گویم ۲۰۰۰ بند کاغذ تحریر اندونزی نیاز دارم و او به چند نکته قابل توجه اشاره می‌کند:

هر میزان کاغذ تحریر که بخواهید می‌توانم فراهم کرد

بازار کاغذ توسط حدود ۳۰ نفر تاجر تامین می‌شود

بیشتر تاجران ارز دولتی می‌گیرند ولی کاغذ تحریر را به قیمت آزاد می‌فروشند

در نهایت به من توصیه می‌کند که بهتر است از قیمت پرسیدن دست بردارم. او توضیح می‌دهد: شما اگر ده هزار بند کاغذ هم بخواهی، می‌توان

آن‌طور که ایسنا نوشته دلیل این تعویق، مسائل فنی است. بر این اساس سایت فروش بلیت جنایات و مکافات با کاسنی که بلیت خریده بودند تماس خواهد گرفت تا روز دیگری برای تماشای نمایش انتخاب شود. نمایش جنایات و مکافات براساس رمان جنایات و مکافات فتودور داستایفسکی، جدیدترین

## مورد عجیب يك ناشر

## +این‌که: +

یکی از مشتریان بازار نشر، انتشارات حوض نقره است. مدیر این نشر می‌گوید از کاغذ ایرانی برای انتشار کتاب‌هایش استفاده می‌کند. تبسم آتشین جان توضیح می‌دهد: من هم مشتری ظهرالاسلام هستم و فکر نمی‌کنم مشکلی برای تهیه کاغذ وجود داشته باشد جز قیمت سرسام‌آورش. قیمت کاغذ باعث شده، کتاب از سال گذشته چهار برابر گران‌تر شود.

این ناشر توضیح می‌دهد در حال حاضر ارزان‌ترین کاغذ موجود در بازار را برای کتاب‌هایش خریداری می‌کند. آتشین جان می‌گوید: کاغذ تحریر ۷۰ گرمی تولید کارخانه مازندران بندی ۲۸۹ هزار تومان است و خوشبختانه کیفیت مناسبی دارد و با دستگاه چاپ دیجیتال سازگار است. اما نکته مهم‌تری که این ناشر به آن اشاره می‌کند، اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

براساس میزان کتابی که هر ناشر در طول هر سال منتشر می‌کند و در خانه کتاب به ثبت می‌رسد، وزارت ارشاد سهمیه مشخصی از کاغذ ارائه‌ای برای ناشران در نظر می‌گیرد. آتشین جان می‌گوید: انتشارات حوض نقره، براساس آنچه در خانه کتاب به ثبت رسیده، سالانه حدود ۴۰۰۰ بند کاغذ برای نشر کتاب، مصرف می‌کند اما سهمیه‌ای که ارشاد سال گذشته در اختیارمان گذاشته ۲۰۰ بند بوده که معادل ۲ درصد نیاز ماست. به اعتقاد این ناشر، رویکرد وزارت فرهنگ و ارشاد و همین سهمیه‌بندی بسیار محدود، ناشر را به استفاده از کاغذ آزاد سوق می‌دهد و سبب می‌شود قیمت کتاب بالا برود.

## مورد عجیب يك فروشنده

## +این‌که: +

از دادن فاکتور معذورم! این جمله‌ای است که فروشنده به وضوح و با صراحت می‌گوید. گویی می‌توانیم سر هر چیزی با هم چانه بزنیم جز در این یک مورد. او توضیح می‌دهد: از هر بند کاغذی که می‌فروشم فقط حدود ۵۰۰ تا هزار تومان سود می‌کنم و اگر به شما فاکتور بدهم، می‌توانید براساس آن مرا به تعزیرات معرفی کنید و از من شکایت کنید.

این فروشنده باردیگر تاکید می‌کند که فقط حدود هزار تومان روی هر بند سود می‌کند و توضیح می‌دهد سال گذشته و در اثر نوسانات ارز، تاجران کاغذ سودهای میلیاردی داشته‌اند.

او ادامه می‌دهد: تاجری که هر بند کاغذ تحریر را ۱۴۰ هزار تومان خریده و حالا ۴۵۰ هزار تومان می‌فروشد، یعنی روی هر پارت باری که می‌فرستند اینجا میلیون‌ها تومان سود کرده و در مجموع ماهانه و سالانه سودهای میلیاردی به جیب زده است.

یادآوری می‌کنم که اگر فاکتوری در کار نباشد، من هم به عنوان مأمور خرید می‌توانم سهمی برای خودم بردارم. با لبخند می‌گوید: خانم مگر از این چیزها کم دیده‌ایم. تعجب می‌کنم که شما تنها آمده‌اید. معمولا چند نفر برای خرید می‌آیند که مأمور خرید نتواند در جوش دادن معامله سودی به جیب بزند. او در ادامه به یک نکته قابل توجه اشاره می‌کند: حتی از برخی مراکز دولتی به جز مأمور خرید، واحد حراست و بازرسی و مدیریت هم نمایندگانی می‌آیند پای معامله. معمولا هیچ کسی به دیگری اعتماد ندارد و همه با هم می‌آیند که کسی کلاه‌برداری نکند اما همیشه مأمور خریده‌ها کار خودشان را می‌کنند.

این فروشنده در پایان تاکید می‌کند که به همین دلیل دوست ندارد با نهادهای دولتی همکاری کند.

